

نقش شیخ خزعل در فروپاشی قدرت امپراتوری عثمانی در حوزه خلیج فارس

بهمن شجاعی نسب^۱
حمید حاجیان پور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵

کلیدواژه

شیخ خزعل؛ عثمانی؛ خلیج فارس؛ انگلیس؛ جنگ جهانی اول.

مقدمه

مطالعه خلیج فارس و بررسی تحولات آن برای همگان بخصوص کشورهای پیرامونی آن حائز اهمیت بسیاری است. این آبراه از گذشته‌های دور و به‌ویژه با ورود کشورهای اروپایی و پس از کشف نفت یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جهان در نگرش‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی بود. وجود منابع غنی و عظیم نفت و گاز در این منطقه و نیاز روزافزون جهان و بخصوص جوامع صنعتی و پیشرفته به این منابع، اهمیت این منطقه را نزد جهانیان مضاعف ساخته است و همین اهمیت، تلاش برای شناخت جریان حوادث و تحولات آن را برای محققین ضروری می‌سازد (وثوقی، ۱۳۸۴: ۱۱).

چکیده

خلیج فارس همواره مورد توجه کشورهای اروپایی و ملل مجاور آن قرار داشته است. بررسی سیاست‌های دولت عثمانی در اوایل قرن نوزدهم میلادی در منطقه خلیج فارس و در مواجهه با قدرت‌گیری کشورهای اروپایی همچون انگلیس که با انگیزه گسترش روابط سیاسی و حفظ منافع خود به حمایت از شیوخ منطقه خلیج فارس در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای نظیر عثمانی و ایران می‌پرداختند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. از جمله شیوخ منطقه خلیج فارس که در این دوره نقش تأثیرگذاری را با آغاز جنگ جهانی اول در شکست سیاست‌های امپراتوری عثمانی در حوزه خلیج فارس ایفا کرد، می‌توان به شیخ خزعل حاکم خرمشهر (محرره) اشاره کرد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد نقش شیخ خزعل را در فروپاشی قدرت عثمانی در خلیج فارس در ربع قرن اول قرن بیستم میلادی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول).

shojaebahman@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز. hhajianpour@yahoo.com

با آغاز جنگ جهانی اول، نیروهای انگلیس به بهانه حفظ حکومت شیخ خزعل و مناطق نفتی جنوب و مقابله

این پیمان‌ها مسائل و مناسبات دیپلماتیک دولت‌های اروپایی بود، اما در مستعمرات و مناطق نفوذ آنها نیز تأثیرگذار بودند (ماله، ۱۳۸۸: ۱۰۶۸).

در ابتدای قرن بیستم میلادی تمایلات ایجاد رابطه دولت عثمانی با آلمان‌ها برای روس و بریتانیا کاملاً مسلم بود. این دوستی به دوران ویلهلم دوم و مسافرت وی به استانبول در سال ۱۳۱۶ ه.ق / ۱۸۹۸ م. برمی‌گشت. سیاست دوستی با آلمان فواید اقتصادی بسیاری هم داشت که مهم‌ترین آن در طرح راه آهن برلین - بغداد متجلی می‌شد. بنابراین در ماه‌های آغازین جنگ جهانی اول، بریتانیا می‌دانست که عثمانی دیر یا زود به جنگ علیه متفقین خواهد پیوست و یکی از مناطقی که بریتانیا و عثمانی در آن به مصاف یکدیگر خواهند رفت حوزه خلیج فارس خواهد بود و نیروهای هندی - انگلیسی خواهناخواه باید به این منطقه اعزام شوند. به همین خاطر ماه‌ها قبل از ورود عثمانی به جنگ علیه متفقین، بحث‌های زیادی در میان سیاسیون این کشور برای ورود نیروهای نظامی از هند به بین‌النهرین شکل گرفت^۱، عمده این بحث‌ها حول این محور بود که در صورت لشکرکشی بریتانیا به بین‌النهرین اعراب منطقه چه واکنشی خواهند داشت؟ آیا متمایل به عثمانی خواهند بود و یا همچون گذشته به بریتانیا وفادار خواهند ماند؟ سه نیروی عرب که در منطقه نقششان برای انگلستان اهمیت به‌سزایی داشت: شیخ خزعل در خرمشهر^۲، شیخ مبارک در کویت و عبدالعزیز بن سعود در نجد و یک فرد متنفذ در بصره به نام سیدطالب پاشا بودند (سدیدالسلطنه، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

در منطقه کارون شیوخ بزرگ محلی، یعنی کسانی که املاک و دارائی‌شان از همه بیشتر بود شیخ خزعل و شیخ کویت بودند، از آنجا که منافع شیخ خزعل میان ایران و

با دولت عثمانی خوزستان را تصرف کردند. شیخ خزعل با ارائه اطلاعات درباره عملیات‌های دولت عثمانی در عراق، نیروهای انگلیسی را در لشکرکشی و مبارزاتشان با دولت عثمانی همراهی کرد و یکی از علل اصلی فروپاشی قدرت امپراتوری عثمانی در حوزه خلیج فارس شد. بررسی تحولات سیاسی و اقتصادی و زمینه‌های تاریخی و شکل‌گیری این حوادث در این مقطع، برای شناخت تحولات تاریخی جوامع پیرامونی حوزه خلیج فارس از اهمیت فراوانی برخوردار است.

این پژوهش بر آن است که نقش مهم و انکارناپذیر کشورهای اروپایی بخصوص بریتانیا و نقش اعراب و دیگر شیوخ منطقه از جمله اقدامات و سیاست‌های شیخ خزعل، حاکم خرمشهر را در شکست سیاست‌های عثمانی در منطقه خلیج فارس مورد تبیین و بررسی قرار دهد تا تصویر روشنی از مسائل و حوادثی که باعث فروپاشی قدرت امپراتوری عثمانی در منطقه خلیج فارس شد و اینکه آن مسائل و حوادث متأثر از کدام شرایط داخلی و خارجی بوده‌اند را ترسیم نماید.

جنگ جهانی اول و رویکرد شیخ خزعل نسبت به دولت عثمانی

با کشیده شدن دامنه جنگ جهانی اول به منطقه خلیج فارس که حاصل رقابت دیرینه میان دولت‌های اروپایی بود، طی کمتر از چند ماه مناسبات دوستانه کنسول‌ها و نمایندگان تجاری دولت‌های اروپایی در این منطقه به دشمنی تبدیل شد. کادرهای سیاسی اروپایی که در جشن تولد امپراتوران و پادشاهان یکدیگر شرکت می‌کردند و به افتخار سران کشورهای دوست، گلوله توپ و تفنگ به صدا درمی‌آوردند و نشان و هدایایی گران قیمت تقدیم یکدیگر می‌نمودند، رودرروی یکدیگر ایستادند و این ویژگی دیپلماسی ایام جنگ بود (Political Diaries of the Persian Gulf, 1917: 388).

قراردادهای مختلفی که قبل از آغاز جنگ جهانی میان دولت‌های اروپایی منعقد گردید، با آنکه علت عمده انعقاد

۱. تا آنجا که ترسی نیز از پیوستن مسلمانان هند به حرکت‌های پان اسلامیسم ترک‌ها وجود داشت (بنگرید به: فیلیپ گریوز، مأموریت سرپرسی کاکس در حوزه خلیج فارس ص ۱۵۵-۱۵۴).
۲. محمره

مرکزی» از او دفاع کنند. شیخ خزعل هر چند در برخورد با فرستادگان دولت مرکزی و نمایندگان بریتانیایی وانمود می‌کرد حکومت مرکزی ایران را قبول دارد و از آن تبعیت می‌کند، اما عملاً به صورت مستقل عمل می‌کرد. وی به طور مداوم نیروهای خود را در خدمت و مساعدت شرکت نفت ایران و انگلیس به کار می‌گرفت و در طول جنگ جهانی اول با وجود اعلام بی‌طرفی ایران به دولت انگلیس خدمات شایان کرد (سایکس، ۱۳۹۱: ۳۸۲). دولت آبادی در این خصوص می‌نویسد؛

«شیخ خزعل در ظاهر عنوانش سرحداری دولت ایران است ولی در باطن برای نگاهداری تمول هنگفت خویش، خود را طرفدار سیاست انگلیس جلوه می‌داده و با آنها بست و بندهایی داشته و از گرفتن پول و اسلحه هم از آنها برای خدمت کردن به سیاست استعماری و اقتصادی ایشان دریغ نمی‌داشته است و با این سیاست نه تنها دربار ایران را از خود مرعوب نگاه می‌داشت بلکه عثمانیان همسایه دیوار به دیوار را نیز از خود می‌ترسانید و از آنها در بصره و نواحی آن همه‌گونه استفاده می‌کرده است» (دولت آبادی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۲۷-۳۲۶).

بنابراین شیخ خزعل از سال ۱۹۰۰م. / ۱۳۱۸ ه.ق به بعد اقتدار و سلطه خود را در امتداد ساحل به طرف شرق نیز بر قبیله‌های عرب ساکن در مناطق داخله گسترش داد. در سال ۱۹۰۴م. / ۱۳۳۲ ه.ق نایب کنسول انگلیس در خرمشهر گزارش کرده بود که اندک نشانه‌ای از سلطه مستقیم دولت ایران بر نواحی بین بند «قیر» بر کناره رود کارون و در ۱۲۰ مایلی خرمشهر و مرز ایالت فارس وجود ندارد. افزون بر این خزعل اقتدار خود را بر تعدادی از اعراب که در قلمرو عثمانی و مرز بین‌النهرین می‌زیستند نیز گسترش داده و املاک فراوانی هم در سرزمین ترک‌ها به دست آورده بود (جلالی، ۱۳۷۹: ۳).

بدیهی است که این میزان قدرت و نفوذ در حوزه خلیج فارس و بین‌النهرین از سوی شیخ خزعل که از جانب دولت انگلیس حمایت می‌شد بر عملکرد دولت عثمانی در جنگ با انگلیس در دو منطقه یاد شده تأثیر مستقیم بگذارد،

عثمانی گره خورده بود موقعیت بغرنجی داشت چون اقامتگاه شیخ در قلمرو خاک ایران واقع بود اما از مالکان بزرگ بصره به شمار می‌آمد (خدوری، ۱۳۷۴: ۱۰۸). وی از قبیله اعراب بنی‌کعب، از تیره فرعی محیسن بود که در سال ۱۲۸۰ ه.ق / ۱۸۶۳م دیده به جهان گشود (بهار، ۱۳۶۳: ۱۴۴). شیخ خزعل القاب نصرت‌الملک، معز السلطنه، سردار اقدس و سردار ارفع را دارا بود و از سوی دولت انگلیس در سال ۱۳۲۹ ه.ق / ۱۸۹۳م. نشان K.C.I.E^۱ را دریافت داشت (بامداد، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۷۶-۲۳۰).

شیخ خزعل پس از آنکه برادر خود، شیخ مزعل‌خان معز السلطنه را از پای در آورد، توانست قدرت را در دست گیرد و در سال ۱۳۱۵ ه.ق / ۱۸۷۹م حاکم محمره و اضافات آن گردد و بر خوزستان مسلط شود. پس برای اینکه هیچ‌یک از افراد دودمان شیخ جابر نتواند در آینده علم مخالفت علیه او برافرازد، سایر برادرزادگان خود را نیز به فجیع‌ترین وضع کشت یا از گردونه رقابت خارج کرد. این‌گونه اعمال و رفتار وحشیانه شیخ خزعل باعث شده بود که وی مورد نفرت شدید مردم خوزستان قرار گیرد و همواره نسبت به آینده خود بیمناک باشد.

بزرگ‌ترین نگرانی شیخ در آن زمان حفظ و تثبیت قدرت خود بود که با به سرآمدن دوران ضعف قاجاریه و قدرت گرفتن دولت مرکزی و همچنین با توجه به نفرتی که مردم خوزستان از او داشتند، وی را با مشکل مواجه می‌ساخت. بنابراین در نظر شیخ خزعل تنها راه حفظ این قدرت توسل به نیروی مقتدر خارجی بود که بتواند وضع موجود را حفظ کند و مانع از فروپاشی حکومت جابراه‌اش در خوزستان شود. در نتیجه حکام و کارگزاران بریتانیا در جنوب ایران که برای حفظ منافع خود از همکاری با هیچ عنصر بدنامی ابا نداشتند، او را زیر چتر حمایت خود گرفتند و متعهد شدند تا زمانی که شیخ طبق نظر انگلیسی‌ها کار کند در مقابل «تجاوز دولت

۱. ظاهراً یک نشان سیاسی است.

منطقه بین‌النهرین و خلیج فارس به کار گیرد. انگلیس نیز برای حفظ منافع خود نیاز به همکاری اعراب منطقه خلیج فارس به‌ویژه اعراب خوزستان داشت. این نیاز دوطرفه سبب شد تا سرپرسی کاکس^۲ کنسول بریتانیا در خلیج فارس در سال ۱۹۱۰م. / ۱۳۲۸ ه.ق با شیخ خزعل قراردادی به مضمون زیر به امضاء رساند؛ در این قرارداد دولت بریتانیا متعهد گردید که در صورت تجاوز دولت مرکزی ایران به حقوق، قلمرو حکومت یا به اصطلاح املاک موروثی شیخ، پشتیبانی لازم را به عمل آورد و این حمایت را تا رسیدن به راه‌حلی رضایت‌بخش ادامه دهد. در عوض شیخ متعهد گردید بدون موافقت قبلی انگلستان دست به انتخاب جانشین و ولیعهد نزند (جلالی، ۱۳۷۹: ۱۳).

به نظر می‌آید دولت بریتانیا پیش از جنگ جهانی تمام مواضع قدرت خود را هم در خلیج فارس و هم در بین‌النهرین استحکام بخشیده بود و دولت عثمانی عملاً در برابر قدرت‌گیری شیخ خزعل و اعراب تحت ریاست او کاری از پیش نمی‌برد و در این زمان درگیر مسائل و مشکلات متعاقب با قیام ترک‌های جوان بود.

در کنار قدرت شیخ خزعل مشایخ بزرگ و نیرومند دیگری در طول دو نهر بزرگ دجله و فرات ساکن بودند که مشهورترین آنها شیخ غضبان از بنی‌لام و شیخ صالح از آل‌آلبو محمد بودند که در اوقات سخت به شیخ خزعل پناه می‌آوردند و هرگاه مورد تعدی و غضب حکومت واقع می‌شدند آنها را یاری می‌داد و از آنها حمایت می‌کرد. شیخ خزعل در عراق نیز دوستان بانفوذی داشت و با بیشتر شیوخ عراقی رابطه محکمی ایجاد کرده بود. با شروع جنگ جهانی اول و با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، خزعل خودسرانه به انگلیسی‌ها پیوست. لشکرکشی آنان را از راه خوزستان به عراق تسهیل کرد و خود نیز دوشادوش انگلیسی‌ها به جنگ علیه عثمانی‌ها برخاست و این‌گونه بی‌طرفی ایران را نقض

به‌ویژه با کشف نفت در منطقه مسجدسلیمان و احتمال وجود منابع غنی نفت در بین‌النهرین نقش شیخ خزعل به‌عنوان مهره اصلی در سیاست بریتانیا بیش از پیش آشکار شد (نابیان، ۱۳۷۳: ۸۱).

منافع انگلستان در قلمرو خزعل از هر دو چشمه سیاست و اقتصاد نشأت‌گرفته بود. خرمشهر مقر حکمرانی شیخ خزعل در کرانه راست رودخانه قابل کشتیرانی کارون و حدوداً در یک مایلی محل تلاقی آن با اروندرود قرار داشت و از سوی دیگر بازرگانان خرمشهر و تجارتخانه‌های انگلیسی و هندی دارای روابط تجاری بودند و کشتی‌های خط بریتیش ایندیا^۱ هفته‌ای یک‌بار از این بندر دیدن می‌کردند (گریوز، ۱۳۸۰: ۵۲).

شیخ خزعل برای بسط قدرت و نفوذ خود در اطراف خرمشهر توسط مشاور و پیشکار خود حاج محمدعلی بهبهانی معروف به رئیس‌التجار با دولت مرکزی ایران وارد گفتگو شد و سرانجام توانست حکمرانی اهواز را به دست آورد و بندر آبادان، بهمنشیر، رود کارون، هندبجان، ده ملا و فلاحیه را به عنوان املاک شخصی صاحب‌گردد. به عبارت دیگر زمین‌های آن سوی کارون که خالصه دولت بود به او واگذار شد. اگرچه این املاک قابل فروش به بیگانگان نبود، اما اجازه دادن به آنها مانعی نداشت، که این اصل، بعدها زمینه‌ای برای ایفای نقش خزعل در حفظ منافع شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان شد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۵۲).

بنابراین قدرت گرفتن شیخ خزعل در منطقه خلیج فارس و در میان اعراب توانست نقش زیادی در پیروزی انگلیسی‌ها بر نیروهای ترک این منطقه ایفا نماید. از سوی دیگر همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد نفوذ شیخ خزعل محدود به ایران نمی‌شد و در بصره نیز دارای املاک و دوستان بسیاری بود که این میزان نفوذ را می‌توانست علیه حضور عثمانی در

نیروهای ترک و زمان احتمالی حمله آن‌ها به نیروهای بریتانیا، اطلاعات دقیق کسب کرده و خزعل این اطلاعات را به انگلیسی‌ها گزارش می‌داد، به‌طور مثال در فتح بصره خزعل با توجه به آگاهی کاملی که از اوضاع جغرافیایی منطقه و آشنایی‌اش با امکانات و تجهیزات دولت عثمانی داشت، راه ورودی نیروهای بریتانیا به بصره را هموار کرد (استرانک، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۱).

گذشته از این اقدامات شیخ خزعل، پالایشگاه نفت انگلیس در آبادان در قلمرو وی قرار داشت و بریتانیا با این دلگرمی که از جانب خزعل خطری نیروهای وی را تهدید نمی‌نماید، سربازان خود را به اهواز و آبادان گسیل کرد (گریوز، ۱۳۸۰: ۱۵۴). به پاداش این همکاری کاکس سرکنسول وقت بوشهر طی نامه‌ای به خزعل وعده داد که دولت متبوعش از حکومت، حقوق و دارایی‌های وی و جانشینانش در برابر تجاوز دولت ایران و یا هر دولت خارجی حمایت می‌کند، اما با تمام خدماتی که خزعل در طول جنگ باید به آنها می‌رسانید، کاکس بازهم یک شرط برای اعطای حمایت از خزعل گذاشت و این‌گونه قضیه را به خزعل تفهیم کرد که:

«... و تازمانی که آن عالی‌جناب و جانشینان‌تان به شرایط مقرر در پیمان‌های منعقدشده با دولت علیه وفادار باشید و راهنمایی‌های مقام‌های بریتانیا را سرلوحه کار خویش قرار دهید و رفتارتان نسبت به آنان مورد رضایت ایشان باشد به قوت خود باقی است، به شرط اینکه هیچ‌یک از فرمانداران محمره بدون رضایت دولت بریتانیا و مشورت محرمانه با ایشان منصوب نشوند. در مورد دولت ایران نیز تلاشمان همواره این خواهد بود که خودمختاری جناب‌عالی مانند امروز محفوظ بماند و هیچ مالیات یا عوارض به آن‌ها تعلق نگیرد...» (استرانک، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۶).

در این زمان بریتانیا از مسجدسلیمان تا آبادان ۱۳۰ مایل لوله نفتی داشت که حدود ۲۷۵۰۰۰ تن نفت را منتقل می‌کرد. برای حفظ پالایشگاه‌های نفتی آبادان سه کشتی سلطنتی بریتانیا ارون‌درود وارد شدند، (محمود، ۱۳۴۳، ج ۷: ۶۷) و سربازان هندی بریتانیا جبهه‌های این

نمود. دولت انگلستان نیز به پاس این خدمتگزاری برای دومین بار وی را به دریافت نشان مفتخر گردانید. خزعل که در این هنگام یک‌باره سر بر آستان انگلیس نهاده و روی از ایران برگردانده بود جشن باشکوهی در خرمشهر برپا ساخت و اعلام کرد: «مکرر می‌گویم تا زنده هستم مصالح دولت انگلیس را حفظ می‌کنم و خدمات من به آن دولت که به آن افتخار دارم بر آنها مخفی و پوشیده نیست. در عدالت و حاضر شدن دولت انگلیس برای کمک و مساعدت من همه نوع امیدواری دارم» (بهبودی، ۱۳۹۰: ۲۶۱). همچنین نشان «K.C.I.E» دولت انگلیس را که در واقع نشانه‌ای از نوکری و سرسپردگی به بیگانگان بود بر سینه آویخت (یوسفی، ۱۳۵۰: ۱۳۵، ۱۹۵ و ۲۲۱).

شیخ خزعل به دنبال سیاست حمایت از انگلیس در مخالفت با ترکان عثمانی دست به یک سری اقدامات زد. نخست این که چون دسته‌ای از کعبیان در کنار غربی ارون‌درود از دامنه فاو تا بصره سکونت داشتند آنان را با برخی طوایف دیگر که فرمان از او می‌بردند به دشمنی با عثمانیان برانگیخت که می‌گویند یکی از علل شکست ترکان عثمانی در برابر انگلستان خیانت‌های آن اعراب بود. در حمله‌ای که سپاهیان انگلیس بر بصره نمودند و آن شهر را تصرف کردند نیز دسته‌ای از کسان شیخ و از آن اعراب همراه انگلیسی‌ها بودند و خود اینان بودند که گمرک بصره را تاراج کردند (کسروی، ۱۳۱۳: ۲۴۲-۲۴۱).

از دیگر کارهای شیخ خزعل در راستای تضعیف دولت عثمانی خبررسانی و جاسوسی به موقع به دولت انگلیس بود، چنانکه تا دولت عثمانی دست به اقدامی در منطقه بین‌النهرین و خلیج فارس می‌زد بلافاصله با استفاده از واحد اطلاعات و جاسوسی عالی خود مراتب را به دولت بریتانیا اطلاع می‌داد (گریوز، ۱۳۸۰: ۱۶۲).

جاسوسان خزعل در منطقه از تعداد نفرات، امکانات

با وجود اینکه تصور می‌رفت که نیروهای ترک روحیه خود را از دست داده‌اند، اما دولت عثمانی در این زمان بیکار ننشست و به تحرکات دیگری از جمله حمله به لوله‌های نفتی آبادان در خلیج فارس دست زد. طول زیاد لوله نفت از میدان نفتون به اهواز و آبادان، حدود ۱۵۰ مایل امتداد داشت و از این‌رو آنان را در معرض خطر شدیدی قرار داده بود، چنانکه پیش از تکمیل وسایل دفاعی در چندین نقطه قطع و آتش زده شد. افزون بر این بیشتر عشایر و ایلات مجاور به دلیل تعصب مذهبی و تبلیغات گسترده آلمانی‌ها با انگلیسی‌ها دشمن شده بودند، به‌طور مثال ایل بختیاری که سال‌ها با انگلیسی‌ها روابط دوستانه داشتند در این زمان به‌کلی با آنان دشمن شده بودند (سایکس، ۱۳۳۵، ج ۲: ۶۷۵). در اواخر ژانویه ۱۹۱۵م. / ۱۳۳۴ هـ.ق، عثمانی‌ها برای قطع کردن لوله نفت در تدارک حمله‌ای به اهواز بودند که یک تیپ انگلیسی برای محافظت لوله‌های نفت به اهواز فرستاده شد و چون خبر حرکت قشون عثمانی به سوی غرب رسید بنابراین یک نیروی اکتشافی هم به آن طرف فرستاده شد که نیروهای عثمانی در این حمله دوازده هزار نفر بودند (حقیقت، ۱۳۸۰: ۱۱).

با همراه شدن طوایف بنی‌طرف، هویزه و فلاحیه، بنی‌منتفق و سایر عشایر با نیروهای عثمانی کار برای انگلیسی‌ها و شیخ خزعل سخت شد. اتحاد شیخ غضبان، شیخ قبیله بنی‌لام با قبایل بنی‌کثیر شوستر و بنی‌کثیر دزفول برای ضدیت با سردار ارفع و انگلیسی‌ها، آنان را به اتحاد با نیروی ترک سوق داد (سایکس، ۱۳۳۵، ج ۲: ۶۷۵). بنابراین ژنرال نیکسون که در اواخر ژانویه سال ۱۹۱۵م. به فرماندهی قوای انگلیسی منصوب شده بود، لشکر خود را مأمور عقب راندن ترک‌ها از خوزستان کرد (روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۳۲ق: ش ۱۱).

کشور را در میدان‌های جنگ اروپا به نام نیروهای (آ)، آفریقای شرقی و مصر به نام نیروهای (ب) حمایت می‌کردند، نیروی سومی نیز از این دسته‌ها به نام نیروی (د) که قبلاً از هند به بحرین آمده و مستقر شده بود به فرماندهی ژنرال دلامین^۱ عازم اروند رود شد تا با رفتن به آبادان، پالایشگاه‌ها، لوله‌ها و مخازن نفتی بریتانیا را از یورش ترک‌ها حفظ کند (Busch, 1967: 6). در ۱۱ نوامبر ژنرال بارت از شیخ خزعل، خبری دریافت کرد مبنی بر اینکه نیروهای عثمانی قصد حمله به سمت پایین اروندرود را دارند، بنابراین هنگامی که نیروهای عثمانی در ساعت ۵:۳۰ صبح حمله کردند، انگلیسی‌ها کاملاً مهیا بودند و در این نبرد نیروهای عثمانی متواری شدند. در ۱۳ نوامبر ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ هـ.ق ژنرال بارت با سربازان دیگری وارد منطقه شد و فرماندهی عملیات نظامی به وی داده شد، فرمان جدید برای بارت افزون‌بر حفظ آبادان، تسخیر بصره و بغداد بود که نهایتاً در ۲۱ نوامبر، این مهم برآورده شد. نیروهای بریتانیا با وارد کردن شکست سختی به نیروهای عثمانی، بصره را تصرف کردند (Busch, 1967: 17) مقصد بعدی انگلیسی‌ها بغداد بود تا افزون‌بر بیرون کردن نیروهای آلمانی و قطع ارتباط میان آلمان و عثمانی با دموکرات‌های غرب ایران، بر پایانه راه آهن بغداد نیز مسلط شوند. اما به دلیل درگیر بودن نیروهای انگلیسی در جبهه‌های اروپا و ایجاد یک سیستم اداری منظم در بصره برای هدایت عملیات جنگ، که همگی مستلزم صرف وقت زیاد بود، انگلیسی‌ها عجله‌ای برای حرکت به سمت بغداد نشان ندادند و در عوض در طول سال ۱۹۱۶م. مناطق شیبیه، کوت و ناصریه را اشغال نموده و راه خود را از بصره به سمت شمال (عراق) بغداد هموار نمودند و سرانجام انگلیسی‌ها در ۱۱ مارس ۱۹۱۷م. / ۱۳۳۶ هـ.ق شهر بغداد را تصرف کردند (اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۶۶، پوشه ۱۹).

مبنای قراردادهای بین‌المللی به جوامع مذهبی گوناگون داده شده بود، لغو کرد. جمال پاشا سرکوب جنبش آزادی ملی اعراب و کوبیدن بی‌رحمانه فرهنگ عربی را در پیش گرفت (لوتسکی، ۱۳۵۴: ۵۵۲-۵۵۱). این‌گونه اقدامات از طرف سران عثمانی و همچنین مشکلات جنگ که آشفته‌گی اقتصادی و نارضایتی را به دنبال داشت سبب شد که اعراب منطقه از سیاست‌های عثمانی بیزار شوند، البته سیاست تطمیع اعراب از سوی انگلیس نیز مزید بر علت بود.

هم‌زمان در فارس، قشقای‌ها به ریاست صولت‌الدوله و ایل‌خمس به رهبری حبیب‌اله خان قوام‌الملک به مخالفت و موافقت با انگلیس‌ها به زدو خورد باهم پرداختند. در بوشهر نیز، تنگستانی‌ها که قدرت آنها بین مخالفین انگلیس یعنی شیخ حسین خان چاه‌کوتاهی و رئیس‌علی دلواری تقسیم شده بود به نبرد با انگلیس‌ها پرداختند (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۶۰-۲۵۰).

اما با این شرایط، نابسامانی اوضاع داخلی دولت عثمانی در اوایل قرن بیستم این دولت را دچار مشکلات تازه‌تری کرد که نتیجه آن روی‌گردانی اعراب از ترک‌ها و استفاده عوامل انگلیس مانند شیخ خزعل از این قضایا بود.

مسئله ملی، حادث‌ترین مسئله امپراتوری کثیرالمله عثمانی محسوب می‌گشت. در آن دوره امپراتوری عثمانی نزدیک به سی میلیون نفر جمعیت داشت که یک سوم آن را اقوام ترک تشکیل می‌دادند. بخش بزرگ قلمرو امپراتوری را سرزمین‌های بومی اعراب، ارمنه، کردها، مقدونی‌ها، آلبانیایی‌ها و دیگر ملل تابعه تشکیل می‌داد. در بیشتر این سرزمین‌های غیر ترک‌نشین، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی به وجود آمده و امپراتوری عثمانی را به سوی فروپاشی می‌بردند (استپانیان، ۱۳۸۴: ۸۷).

در درگیری میان نیروهای عثمانی و انگلیسی، هزار نفر از طرفین کشته شدند. اعراب و عثمانی‌ها قصد حمله به ناصریه را داشتند و دو قبیله بنی‌کعب و باوی علیه شیخ خزعل دست به شورش زدند (گریوز، همان: ۱۷۴). با پیوستن اعراب به عثمانی تنها طایفه محیسن برای سردار ارفع ماند، با این پیش‌آمد حفظ آبادان ممکن نبود، در نتیجه انگلیسی‌ها با ارسال یک عده قشون بیش از هزار نفر، چند عراده توپ و سه جهاز کوچک به ناصریه (اهواز) به یاری سردار ارفع شتافتند.

با ادامه جنگ، آغاز عزیمت عثمانی آشکار شد. پیشاهنگ سپاه عثمانی در این زمان اعراب بنی‌طرف بودند که توانستند یک توپ انگلیسی به غنیمت بگیرند، اما با شلیک مستمر توپ‌های انگلیسی، سربازان ترک را به عقب‌نشینی واداشتند. در این درگیری‌ها با آنکه قبیله باوی لوله‌های نفت را تخریب کرده بودند، اما بخشیده شدند. طایفه بنی‌کعب در جراحیه و فلاحیه دست از طغیان برنداشتند که در نهایت شورش آنها توسط سردار ارفع سرکوب شد (روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۳۲ق. ش ۱۱). به نظر می‌رسد که از دیگر عوامل عقب‌نشینی ترک‌ها در نبرد با نیروهای بریتانیایی مجهز نبودن به سلاح‌های مدرن بود. از طرفی عثمانی می‌توانست از وجود اختلاف اعراب منطقه با سردار ارفع نهایت استفاده را ببرد، اما به علت برخوردهای شدید با اعراب و به دنبال اندیشه‌های پان‌ترکیسم نتوانست از این فرصت استفاده کند. در نوامبر ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۳ ه.ق دولت به جمال پاشا اختیارات ویژه داد؛ وی صرف‌نظر از فرماندهی ارتش چهارم، عنوان مأمور فوق‌العاده را نیز به دست آورد و قدرت نظامی و غیرنظامی مطلق یافت. او در ایالات عربی، حکومت نظامی برقرار کرد، شوراها و دادگاه‌های غیرنظامی را منحل و خودمختاری ناحیه کوهستانی لبنان را از میان برد و همه حقوق و امتیازاتی را که بر

بعدها توسط نایب‌السلطنه هند هم امضاء شد. طبق این قرارداد بریتانیا ابن سعود را به‌عنوان حاکم مستقل نجد و احساء و قطیف به رسمیت شناخت و قول داد در مقابل تهاجم نیروهای خارجی از او حمایت کند. ابن سعود هم متعهد شد هیچ قسمتی از قلمرو خود را بدون رضایت بریتانیا به قدرت‌های خارجی واگذار نکند، نفروشد، رهن یا اجاره ندهد (Persian Gulf Historical L. summaries, 1981:23-25).

از طرف دیگر شیخ مبارک برای به‌دست آوردن استقلال دائمی از جانب عثمانی‌ها همواره در تلاش بود، به همین منظور تحت حمایت بریتانیا درآمد و با مأموران سیاسی این کشور در خلیج فارس ارتباط نزدیکی برقرار کرد؛ شیخ مبارک نه تنها با عثمانی‌ها همراه نبود بلکه آرزو داشت که روزی بصره را تصرف کند (گریوز، همان: ۱۵۴/۱۵۳). مناسبات شیوخ خرمشهر، کویت، نجد و حجاز تنها محدود به روابط دوستانه با بریتانیا نبود بلکه این شیوخ برای مخالفین عثمانی متحدان خوبی به‌شمار می‌آمدند. طالب پاشا یکی از متنفذان در نزدیکی بصره از مدت‌ها قبل تمایلاتی مبنی بر جدایی از عثمانی داشت و با خزعل و مبارک نیز برای حمایت از خواسته‌اش مناسباتی ایجاد کرده بود. طالب پاشا نه تنها برای بریتانیا در دسرساز نشد بلکه در هنگام ورود نیروهای انگلیس به دهانه اروندرود و خطر سقوط بصره با کنسول بریتانیا در بصره به رایزنی پرداخت و قصد داشت در صورت فتح بصره توسط بریتانیا وی حاکم این شهر باشد و تحت حمایت بریتانیا قرار گیرد.

به‌دنبال فعالیت‌ها و کارشکنی‌های اعراب منطقه از جمله اتحاد با بریتانیا، کمک به مخالفین ترک‌ها عرصه بر دولت عثمانی تنگ گردید به طوری که جنگ و درگیری در بین‌النهرین و خلیج فارس چیزی

بدین ترتیب در کنار اتفاقات به‌وجود آمده برای دولت عثمانی، سیاست جانب‌داری شیخ خزعل از انگلیس در طول جنگ جهانی اول و کمک‌رسانی به نیروهای بریتانیایی نقش به‌سزایی در تضعیف روحیه و شکست نیروهای ترک در منطقه خلیج فارس داشت. این در حالی بود که شیوخ مناطق حجاز، نجد و کویت نیز به اتحاد با دولت انگلیس روی آورده بودند.

به‌طور مثال اگرچه عبدالعزیز بن سعود رئیس وهابی‌های مسلط بر نجد و حجاز قبل از جنگ ارتباط نزدیک سیاسی با مأموران بریتانیا نداشت و تنها دوستی و مناسباتش با شیخ مبارک (شیخ کویت) از سوی انگلیسی‌ها با ارسال اسلحه و حمایت از وی در مقابل عثمانی‌ها پیوسته تقویت می‌شد اما نگرانی انگلیس این بود که در زمان شروع جنگ با عثمانی مبادا وی به جبهه عثمانی ملحق شود، چراکه سیاسیون بریتانیا وی را قدرتمند، خطرناک، غیرقابل‌اعتماد و دغل‌کار می‌نامیدند. برای جلوگیری از چنین امری، بریتانیا کاپیتان دیلو. اچ. شکسپیر را که قبلاً تجربه دیدار وی را داشت (Cooper buchsh, 1991: 11 / 12) به نجد اعزام کرد تا با وی ملاقات و گفتگو کند؛ هدف این ملاقات آن بود که در صورت وقوع جنگ از ابن سعود و مبارک علیه عثمانی استفاده شود. شکسپیر در این ملاقات از ابن سعود تقاضای همکاری در جنگ را کرد و در عوض به او وعده داد که بریتانیا در مقابل حمله ترک‌ها از او محافظت کند و او را به‌عنوان حاکم مستقل نجد و احساء بپذیرد و در مقابل وی به پیمان مناسبات با بریتانیا وارد شود. در طول این مذاکرات شورش‌هایی از سوی برخی قبایل شمال احساء علیه ابن سعود صورت گرفت که بریتانیا کمک‌های مالی و تسلیحاتی به وی ارائه داد، بنابراین مذاکرات شکسپیر نتیجه داد و عاقبت یک پیمان در قطیف میان سرپرسی کاکس و عبدالعزیز در ۲۶ نوامبر ۱۹۱۵ م. / ۱۳۳۳ ه. ق امضاء شد. این پیمان

جز فروپاشی قدرت دولت عثمانی در این منطقه به‌دنبال نداشت.

نتیجه‌گیری

با اکتشافات نفتی در حوزه خلیج فارس در دهه اول قرن بیستم و همچنین گسترش اهمیت اقتصادی - سیاسی بین‌النهرین با وجود بازارهای پر رونق بصره و بغداد در سال‌های آغازین این قرن، منطقه خلیج فارس صحنه رقابت‌های شدید استعماری شد.

با قوت گرفتن اندیشه «پان‌ترکیسم» اعراب سرزمین عثمانی به‌ویژه حوزه خلیج فارس نسبت به سیاست تازه ملی عثمانی واکنش نشان دادند و آنان را به گرایش‌های پان‌عربیسم^۱ شدیدتری سوق داد. در آغاز جنگ جهانی اول که در سال ۱۹۱۴ م. روی داد در آغاز ترکیه از جنگ دوری جست ولی گروهی از افسران وابسته به کمیته اتحاد و ترقی از آلمان هواداری می‌کردند. دولت عثمانی که در این زمان تحت تأثیر شیوه نظامی دولت آلمان قرار گرفته بود و برای بازسازی ارتش، خود را به دولت آلمان وابسته می‌دید با اعطای امتیازات نفت بین‌النهرین و همچنین امتیاز راه‌آهن به دولت آلمان نفوذ این کشور را در دولت عثمانی افزایش داد و سرانجام دولت عثمانی در کنار متحدان قرار گرفت.

دولت انگلیس در این زمان تمایلی به حضور عثمانی در جنگ جهانی نداشت چراکه نگران تحت تأثیر قرار گرفتن افکار مسلمانان مستعمره خود یعنی هند و اعراب منطقه خلیج فارس و همچنین نگران لوله‌های نفت در حوزه آبادان و اهواز بود.

۱. پان‌عربیسم حرکتی است که برای اتحاد عرب‌ها فارغ از باورهای دینی آنان تلاش می‌کند و سر آغاز آن به حرکات ضد دولت عثمانی شریف مکه پیش از جنگ جهانی اول باز می‌گردد.

بنابراین با ورود دولت عثمانی به جنگ علیه متفقین دولت انگلیس تمام تلاش خود را به کار برد تا موجبات شکست دولت عثمانی و متحدش آلمان را فراهم کند و به این منظور از نقطه ضعف دولت عثمانی یعنی ناتوانی در راضی نگه داشتن اعراب منطقه بهره برد و با تشکیل مثالی از شیوخ وابسته به خود از جمله شیخ خزعل، شیخ مبارک و عبدالعزیز بن سعود مناسباتی ایجاد کرد که در این میان شیخ خزعل حاکم محمره در این امر نقش مهمی را در شکست دولت عثمانی در حوزه خلیج فارس بر عهده گرفت. شیخ خزعل با استفاده از توان اطلاعاتی خود و همراه کردن اعراب ناراضی از سیاست‌های دولت عثمانی، یکی از علل اصلی فروپاشی قدرت عثمانی در حوزه خلیج فارس به حساب می‌آید. و با وجود اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول به دولت انگلیس خدمات بسیار کرد. اقدام جمال پاشا در اعدام کردن و شکنجه اعراب منطقه از جمله اقدامات نادرست از سوی دولت عثمانی بود که ناراضی‌تری بیش از پیش اعراب منطقه را به‌دنبال داشت و باعث شد دولت بریتانیا در خصوص تطمیع شریف مکه مبنی بر شورش و تشکیل دولت عربی موفق عمل کند.

تنها حرکت تهاجمی ترک‌ها در جنگ جهانی در حوزه خلیج فارس، عملیات در اهواز بود که اعراب مخالف سیاست‌های شیخ خزعل در این زمان کمک‌های چشمگیری به نیروهای عثمانی دادند، اما بریتانیا در این زمان قوی‌تر عمل کرد؛ در جریان شکستن و خراب کردن لوله‌های نفت توسط طوایف ساکن در اراضی بصره این شیخ خزعل بود که با قوای خود شورشیان را سرکوب کرد و عملاً تلاش‌های دولت عثمانی برای مقابله با انگلیس در حوزه خلیج فارس را ناکام گذاشت.

درنهایت باید گفت که افزون‌بر نقش شیخ خزعل

بزرگ (۱۹۰۰-۱۹۲۵ م). تهران: پاژنگ.

- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین. (۱۳۵۷). *فارس و جنگ بین‌الملل*. تهران: اقبال.

- روزنامه *حبل‌المتین*. (۱۲ رمضان ۱۳۳۲). سال ۲۳، شماره ۱۱.

- سایکس، پرسی مولزورث. (۱۳۹۱). *تاریخ ایران*. ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: نگاه.

- سدیدالسلطنه، محمدعلی. (۱۳۸۶). *سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش*. تصحیح احمد اقتداری. تهران: امیرکبیر.

- کسروی، احمد. (۱۳۱۳). *تاریخ پانصد ساله خوزستان*. تهران: مهر.

- گریوز، فیلیپ. (۱۳۸۰). *مأموریت سرپرسی کاکس در حوزه خلیج فارس و ایران*. ترجمه حسن زنگنه. تهران: به‌دید.

- لوتسکی، ولادیمیری. (۱۳۵۴). *تاریخ عرب در قرون جدید: از قرن ۱۶ میلادی تا پایان نخستین جنگ جهانی*. ترجمه پرویز بابایی. تهران: چاپار.

- ماله، آلبر. (۱۳۸۸). *تاریخ قرن نوزدهم*. ترجمه حسین فرهودی. تهران: سمیر.

- وثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۴). *تاریخ خلیج فارس و ممالک هم‌جوار*. تهران: سمت.

- محمود، محمود. (۱۳۴۳). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس*. تهران: اقبال. جلد ۷.

- نایبیان، جلیل. (۱۳۷۳). *روابط ایران با دول خارجه در دوره قاجار*. تهران: فردابه.

- یوسفی، محمد. (۱۳۵۰). *پیوستگاه کارون و اروندرود، یا، تاریخ خرمشهر*. تهران: کاویان.

- *Political Diaries of the Persian Gulf*. (1917). London: Archive e Editions. Vol 1.

- Busch, Briton Cooper (1967). *Britain and the Persian Gulf, 1894-1914*. Berkely: University of California press.

- *Persian Gulf Historical summarie*. (1981). London: Archive e Editions.

و دیگر شیوخ منطقه در شکست دولت عثمانی در جبهه‌های بین‌النهرین و خلیج فارس، سیاست‌ها و منافع اقتصادی دولت بریتانیا نیز در حمایت از اعراب منطقه نقش اساسی ایفا می‌کرد، چنانکه اگر حمایت بریتانیا از اعراب منطقه صورت نمی‌گرفت، شاید آنان نمی‌توانستند به راحتی کاری از پیش ببرند.

ورود عثمانی به جنگ جهانی با توجه به اوضاع آشفته داخلی، ضعف مالی و وجود درگیری‌های خارجی تصمیم زود و نابهنگامی بود که زوال امپراتوری را به دنبال داشت.

منابع

- استپانیان، هراچ. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر پان‌ترکسیم*. تهران: ماهانه آراکس.

- استرانک، ویلیام تئودور. (۱۳۸۴). «شیخ خزعل و جنگ جهانی اول». ترجمه صفاء الدین تبراییان. *فصلنامه تاریخ معاصر ایران*. شماره ۳۴. ص. ۵-۶۰.

- اسناد وزارت امور خارجه. (۱۹۱۶م). *راپورت جنگ‌های انگلیس و عثمانی در بغداد و بین‌النهرین، راپورت سفارت ایران در لندن ۳ شعبان ۱۳۳۴ / ۹ ژوئن ۱۹۱۶*. کارتن ۶۶، پوشه ۱۹.

- بامداد، مهدی. (۱۳۴۷). *شرح حال رجال ایران*. تهران: زوار. جلد اول.

- بهبودی، هدایت‌الله. (۱۳۹۰). *روز شمار تاریخ معاصر ایران*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- بهار، محمدتقی. (۱۳۶۳). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*. تهران: امیرکبیر.

- جلالی، نادره. (۱۳۷۹). *سیاست بریتانیا در خلیج فارس و بررسی غائله شیخ خزعل*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۸۰). *روابط خارجی ایران از کهن‌ترین زمان تاریخی تا عصر حاضر*. تهران: کومش.

- خدوری، مجید. (۱۳۷۴). *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: وزارت امور خارجه.

- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۷۱). *حیات یحیی*. تهران: فردوس. جلد ۴.

- ذوقی، ایرج. (۱۳۶۸). *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های*